

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



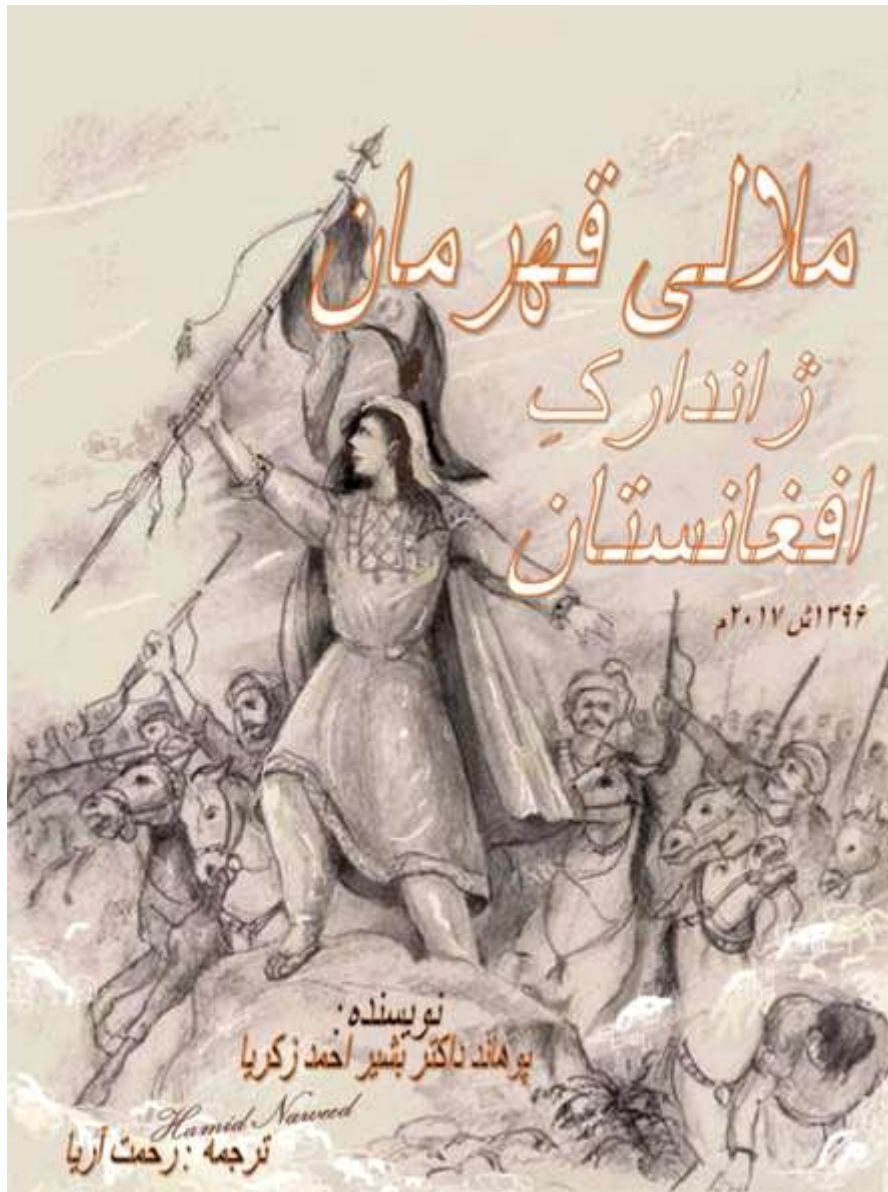
۲۰۱۸/۰۱/۰۵

پوهاند بشیر احمد زکریا

ترجمه: رحمت آریا

ملالی قهرمان

ژان دارک افغانستان
ناول تاریخی (قسمت اول بخش نهم)



د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

قسمت اول

بخش نهم:

دو روز بعد به سینت پیترزبورگ پایتخت روسیه رسیدم. بعد از طی چنین مسافت طولانی سفر در خط ریل، بی نهایت خسته و کسل بودم، به مجرد پائین شدن از ریل یک گادی دو اسپه را کرایه کرده و به طرف یک هتل متوسط الحال رفتم و دو روز متواتر استراحت کردم. نمیدانم که کسالتم به علت سفر بود و یا اینکه آب و یا تغییر اقلیمی، ولی میدانستم که ناراحتی امعاوی اکثرأ با تغییرات اقلیمی و آب همراه می باشند. طی دو شام اقامت در هتل در صدد پیدا کردن کسی بودم که انگلیسی یا فرانسوی بلد باشد تا راهم را در اطراف و اکناف این شهر بزرگ بیابم. از بخت خوب با تاجر جوانی بنام واسیلی واسیلیویچ لوکیانوف¹ روبرو شدم که با فرانسوی فصیح گپ میزد. معرفت نامه های خود را عنوانی شاهدخت میشچرسکی² و میرمن واسیلیچیکوف³ برایش نشان دادم. وی در جواب گفت، «این نامه ها خیلی شگفت انگیز اند، هر دو خانم، خانمهای بی نهایت شهیر از خاندان های بسیار نامدار و خانم های کهن سال طبقه بالایی جامعه اند.» واسیلی گفت که فردا میتواند آدرس این خانم ها را از دوستان دیگر خود که اعضای طبقه بالایی اند پیدا خواهد کرد. صبح روز فردای آنروز ما با هم چای صبح را یکجا صرف کردیم و آدرس های خانمها را که در یک ورقه کاغذ پر نقش و نگار نوشته شده بود برایم سپرد و گفت اگر طبقه اشراف روسی آنقدر فخر فروش و خود خواه نمی بودند حتماً مرا همراهی میکرد! آنها در قصر هایشان به دخول افراد عادی اجازه نمی دهند. به نظرم بهتر آمد که اول باید میرمن واسیلیچیکوف را ملاقات نمایم. زمانیکه به تعمیر شاهانه آپارتمانش رسیدم، سر پیشخدمت اش مرا خوش آمدید گفته و به اتاق سالون بزرگی که با فرنیچر لوئیس چهاردهم⁴ فرش شده بود رهنمایی ام کرد. اکثریت اشراف و علمای روسی قادر به صحبت فرانسوی میانجی «تأمین ارتباط بوسیله لغات مشترک» عصر بودند. به مجردیکه میرمن واسیلیچیکوف مرا دید با شور و حرارت ناگهانی گفت، «اوه عزیزم، تو چقدر به پدرت می مانی. پدرت چطور است؟» گفتمش که پدرم فوت کرده ولی در زندگی همیشه از مهربانی و مهمان نوازی تان یاد میکرد. بعد از صحبت زیاد در باره خانواده های ما، این خانم مسن گفت که فقط چند تن محدود از دوستان سابق پدرم تا کنون زنده اند و گفت، «زندگی یک کمیدی و زمان پرده آن⁵ است». بعد از آن نامه معرفی پدرم را از جانب میرمن بتلر⁶ عنوانی شاهدخت میشچرسکی برایش نشان دادم. «اوه، آن زن عالییه درست مثل خودم یکرزن مسن است ولی سه دختر از دواج کرده دارند و تا بحال در امور اجتماعی فعال است. مسلماً که با او در تماس خواهیم شد و گادی خود را برایتان برای ملاقات عصرانه روز شنبه می فرستم.» بعد از صرف چای و بیسکویت از حضور شان مرخصی گرفته و به هتل خود برگشتم. بعد واسیلی را در سالون استراحت عامه هتل یافتم و بخاطر آشنایی با این شهر زیبا، نسبتاً مدرن و خوش منظر پایتخت امپراتوری بیرون برآمدیم. واسیلی یک تاجر خیلی آگاه روسی بود، از اینکه مصروف تجارت تیل در جرمنی بود بنابراین وی یک

¹ - Vassili Vasiliovich Lukianov

² - Princess Meshchersky

³ - Madam Vasilchikoff

⁴ - Louis XIV

⁵ - La vie est une comedie et le temps est ses rideaus

⁶ - Mrs. Buttler

جهانگرد نیز بود. واسیلی گفت که پیترکبیر امپراتور بلند پرواز و جوان روسیه خواب آنرا میدید که امپراتوری روسیه باید یک لنگرگاه ستراتیژیک در بحیره بالتیک و دیگری در آبهای گرم خلیج فارس داشته باشد. بعد از جنگ بیست و یک ساله شمالی با سویدن وی توانست در سال ۱۷۰۳م دریای نیوا⁷ را تحت کنترل خود در آورد و اساس سینت پیترزبورگ را گذاشت که پایتخت را از مسکو به این شهر بندری انتقال داد. پیترکبیر خواب اعمار پایتختی را می دید که به زیبایی و جذابیت خود کمتر از پاریس و یا روم نه باشد و به اضافه آن ترکیبی از عظمت و رفعت سبک کلاسیکهای آتن، و مختصات معماری گوتیک را داشته باشد. با رسیدن به محل پیاده رو و تفریح گاه دریای غول پیکر نیوا، واسیلی گفت که این دریای بزرگ با مفر های (دریا های برون ریز⁸) خود در شمال مانند بلشایا نیفا⁹ و در جنوب بلشایا «بزرگ¹⁰» نیوا (نیوای بزرگ) و در وسط «ملیا» ی «کوچک» نیوا (نیوای کوچک¹¹) شهر را احاطه می کند و همه در بحیره بالتیک¹² در خلیج فنلند¹³ می ریزند. در حومه اطراف شهر حدود شش جزیره خورد و بزرگ موجود اند. ضمن خنده خود بطرف چپ اشاره کرده گفت، «آن جزیره بنام جزیره واسیلی اوستور¹⁴ یاد میشود ولی مربوط بمن نیست!» گفتم، «مسلماً از تزار شما توقع ندارم که جزیره را به نام تان در مقابل قصر زمستانی خود داشته باشد و برایش مهم نیست که یک تاجر تیل چقدر ثروت دارد!» ما به قدم زدن خود در امتداد کناره های ساحلی دریای نیوا که بنام پیاده روی انگلیسی (انگلیسکایا¹⁵) مسمی شده بود و عین تسمیه نامگذاری در سویزرلند در امتداد دریاچه ژنوا¹⁶ هم موجود بود، دوام دادیم. آنسو دور تر بطرف شرق ما از پهلوی تعمیر پر زرق و برق ستونهای نظامی نیروی بحری آدمیرال الکسندر¹⁷، و تعمیرات عمومی افسران¹⁸، که مجموعه تعمیرات اعمار شده در سه خیابان قصر سینت آیزک¹⁹ و قصر سابق پیترکبیر بود و خیابانهای سنا عبور کردیم. این یکی از خیابانهای جامع و بزرگ بود که تزار آنرا به منظور تحت تأثیر قرار دادن ملت خویش و خارجیان اعمار کرده بود و قطعات بزرگ نظامی با رسم گذشت نظامی باشکوه جمع می شدند و از سیل مردم صدا های خروشناک «زنده باد تزار، زنده باد روسیه» بیرون می شد. به ادامه آن در انتهای فوقانی این منطقه، قصر زمستانی زیبای اعمار شده بود که طراح آن معمار ایتالوی راستریلی²⁰ بود و سفارش اعمار آن را نواده پیتر کبیر، امپراتیرس انا ایانو²¹ در ۱۸۳۱م صادر کرده بود. امپراتیرس الیزابت «الیزابتو پیتروفنا²²» این قصر را در سال ۱۸۵۴م با همان طرح سبک راستریلی از بیخ و بن از سر اعمار کرد. خانه چوبین پیتر با سبک هالندی به خانه سنگی مبدل شد که بقایای آن تهداب موزیم مشهور هنری آرمیتاژ و

7 - Neva River

8 - outflows

9 - Bolshaya Nevka

10 - Bolshaya (Great) Neva

11 - Malya (Small) Neva

12 - Baltic Sea

13 - Gulf of Finland

14 - Vassili Ostor

15 - English Promenade (Angliskaya)

16 - Geneva Lake in Switzerland

17 - Admiralty, Alexander' Columns

18 - General Staff buildings

19 - St. Isaacs Palace

20 - Rastrelli

21 - Empress Anna Ioannovna

22 - Elizabeth (Elizaveta Petrovna)

تیاتر²³ آنرا می سازد. قصر ۶۶ فیت ارتفاع دارد که از آن زمان ببعد اجازه عمران تعمیرات بلند در اطراف آن داده نه شده است. این قصر یک حویلی داخلی بسیار فراخ با سه مدخل هلالی با نمای بیرونی دارد که در فاصله متجاوز از ۱۲۰۰ فیت در مقابل دریا قرار میگیرد. طی سالهای ۱۸۸۰م تعداد نفوس پایتخت افزایش یافت و شمار آن بالاتر از یک میلیون شد. من شاهد تفاوت ناراحت کننده بودم که از یکطرف صد ها هزار رعیت خرده دهقانی که در فابریکات کار میکردند، در حومه های رنگ باخته فقیر نشین شهر در خانه های تنگ و بهم انباشته زندگی غریبانه داشتند و از طرف دیگر پایتخت زینتی و مجللی بود که به دست "روشنگران خود کامه و مستبد" ساخته شده بود، مستبدینی که بارگاه های نهایت مجلل شان در بین تمام بارگاه های اروپا، به بارگاه های نهایت قبیح شهوترانی و حرص سیری ناپذیری تبدیل شده بود. پیترزبورگ به تقلید از شهر پاریس شهر زنان اشرافی طبقات بالای جامعه آراسته با جامه های بلند بالا و عطر پاریسی، شهر اشرافِ ملبس با سرشانه های پر زرق و برق، شهر لباسهای مجلل فزایی با بالاپوشهای که از سر شانه های اشراف مغرور با تکبر آویزان بود و با خرام غرور آسا رژه سان جولان میزدند. بعد از شکست تحقیر آمیز جنگ کریمیا در سال ۱۸۵۶م امپراتور الکسندر دوم یک تعداد ریفورم ها را بخاطر ثبات سیاسی و نیز بخاطر تقویت اقتصادی زیر دست گرفت، مانند آزاد ساختن برده گان از بردگی در سال ۱۸۶۱م، ریفورمهای دولتهای محلی، اعمار مکاتب ابتدائی و پوهنتون ها، ریفورمهای نظامی، تساوی حقوقی و قضایی در برابر قانون برای همه و اعطای آزادی محدود بیان. همه این حرفها را واسیلی حین عبور از پُل سینت پیترزبورگ «ترویخکی»²⁴ گفت. بطرف چپ ما جزیره کوچکی بنام «جزیره هیر»²⁵ بود که برجک سینت پیتر²⁶ و قلعه جنگی پاول²⁷ از آنجا به آسمان آبی سربلند کرده بود. این جزیره را همین پل به جزیره شمالی بنام جزیره «واسیلیفسکی»²⁸ وصل میکرد. پیتر در کناره ساحلی دریای «فونتانکه»²⁹ که خود به دریای گول پیکر نیوا³⁰ می ریزد، یک قصر موقر دو منزله ۱۴ اتاقه را در باغ تابستانی خود آباد کرد. از جانب دیگر کترین کبیر³¹ در فاصله ۲۵ مایلی جنوب سینت پیترزبورگ قصر تابستانی بی نهایت مجلل و پر زرق و برقی را به طول ۹۷۵ فیت «۲۹۷/۱۸ متر» به سبک روکوکو³² اعمار کرد که پسانها

23 - Hermitage Art Museum and the Theatre

24 - St. Petersburg Bridge (Troizkij)

25 - Hare's Isle

26 - the turret of St. Peter

27 - Paul fortress

28 - Vesilevsky Island

29 - Fontanka River

30 - mighty Neva River

31 - Catherine the Great : کترین دوم روسیه : ۱۷۲۹ - ۱۷۹۶م : به عنوان کترین کبیر نیز شناخته می شد، امپراتریس کشور روسیه بود و به مدت ۳۴ سال این مقام را داشت. او با نام سوفیا آگوستا فریدریکا (Sophia Augusta Frederica) در پروس متولد شده بود و پس از آنکه به مذهب ارتدکس درآمد نام کترین را برای او انتخاب کردند، با وجود این که نام سوفیا در روسیه زیاد بود چون نام خواهر ناسکه پیتر کبیر سوفیا بود و از او خاطره بدی در اذهان باقی بود ملکه الیزابت روسیه ترجیح داد نام مادرش یعنی کترین (زن دوم پیتر کبیر) را انتخاب کند. کترین در هنگام مرگ تنها بود و مانند یک غریب در کشور بیگانه وفات کرد.

32 - Rococo style : اصطلاحی است در تاریخ هنر برای توصیف هنر تزئینی که در زمینه های مختلف معماری، بناپی، نقاشی، مجسمه سازی، طراحی اثاثیه و اشیاء زینتی به کار رفته است. اصطلاح روکوکو در ابتداء توسط پییر-موریس کیس (Pierre-Maurice Quays) در سال ۱۷۹۷ میلادی از ترکیب کلمه فرانسوی روکای (rocaille) و کلمه ایتالیوی باروکو (baroco) به میان آمده است. روکوکو سبکی است که با رشد طبقه متوسط و بورژوازی اروپا به وجود آمد و محل پیدایش آن فرانس بود. این سبک در ادامه باروک و در واقع به عنوان عکس العملی علیه شکوه و جلال افراطی آن در قصر ها پدید آمد. از

مشخصات نوکلاسیک نیز به آن اضافه شد که رویه کاری یک نمای بیرونی آن با صد کلیو گرام طلا، طلاپوش گردید. از همه جالب اینکه نویسنده بزرگ روسی پوشکین³³ در همین قصر زندگی کرده بود. بعد از گشت و گذار در این جزیره وسیع، واسیلی بعد از نفس کشیدن عمیق ناشی از خستگی، گشت و گذار معرفتی در شهر را متوقف کرده و گفت، «داکتر سکات شاید تا حال معلومات کافی در باره پایتخت بزرگ ما بدست آورده باشید، و ممکن از شنیدن آن خسته شده و نیز از این گشت و گذار طولانی هم مانده و کسل شده باشید.» با گفتن همین گپ بلادرنگ یک گادی دو اسپه را توقف داد تا ما را دو باره به هتل ما برساند. بعد از صرف نان شام، هر دوی ما به اتاقهای خود رفتیم و سحر هنگام در چای صبح ناوقتی، بخاطری با هم ندیدیم که هر دوی ما به خواب طولانی نیاز داشتیم. همان روز هنگام عصر بود که میرمن واسیلیچیکوف مرا به آپارتمان خود بخاطر صرف چای عصرانه دعوت کرد. گادی پر زرق و برق چهار اسپه وی به هتل رسید. به واسیلی گفتم که درباره من که کجا استم تشویش نداشته باشد. با خانم واسیلیچیکوف چای خوشمزه عصرانه را صرف کردم، و در ضمن گفتم که شاهدخت میشچرسکی را دیده است ولی مطمئن نیست که چه زمانی مرا خواهد دید بخاطریکه شاهدخت مصروف آمادگی تفریح تابستانی دخترش به ویلای بیرون شهر اند. به میرمن واسیلیچیکوف گفتم که من هم نه خواهم توانست حضور یاب شرف دیدار شاهدخت شوم بخاطریکه ریل طی چند روز آینده عازم تاشکند میشود. واسیلیچیکوف بلادرنگ ناراحتی مرا از بابت بی اعتنایی شاهدخت درک کرده و گفت، «داکتر فیتزجرالد عزیز، متأسفم که قادر به دیدن دوست قدیمی پدرتان، شاهدخت، نمی شوید ولی میخواهم برایتان اطمینان بدهم که من و خانواده ام بی نهایت مشغوف و خوش خواهد شد تا چهار اطراف سینت پیترزبورگ عزیز ما را برایتان نشان بدهیم.» در جواب گفتم، میرمن واسیلیچیکوف! یک دوست روسی من قبل از قبل مرا به شهر برده و با شهر بلدیت پیدا نمودم معهدا از پیشنهادتان متشکرم، باز هم از شما تشکر می کنم که با تلاشتان از من نمایندگی کردید، لطفاً احترامات مرا به شاهدخت برسانید. ولی همانگونه که میدانید سفر نهایت طولانی پیش رو دارم و لطفاً برای سفر مصونم دعا کنید». دستش را بوسیده و احترام و محبت خود را برایشان نشان دادم و هر دو با هم به زبان فرانسوی خدا حافظی کردیم بخاطریکه صحبت ما بزبان فرانسوی بود. کترین کبیر با پسندیدن آرگاه ها و بارگاه های فرانسوی، زبان فرانسوی را زبان اشراف رسمی روسی ساخت تا جائیکه معیار رتب شان را به اساس فصاحت در زبان فرانسوی تعیین میکرد.

ادامه دارد

نخستین نتایج آن ساختن خانه های شهری کوچک و راحت با تزئینات و ریزه کاری های فراوان در محیط داخلی قصر ها بود. هنر روکوکو با طراوت و سرشار از سرزندگی است. در تزئینات آن از خطوط منحنی اشکال صدفی رنگ های آبی و سبز روشن به کثرت استفاده می شود. در زمینه نقاشی شیوه های گوناگونی در این دوران پدید آمد. نقاشان به سبک های فردی تمایل پیدا کردند و دست به تجارب بدیعی ای زدند که سرانجام به رومانتیسیسم منتهی شد. - م

33 - Pushkin : الکسندر سیرگی یو ویچ پوشکین Александр Сергеевич Пушкин، یا Alexander Sergeyevich Pushkin : می ۱۷۹۹ - جنوری ۱۸۳۷ م : شاعر و نویسنده روسی سبک رومانتیسیسم است. پوشکین در یک خانواده اشرافی مسکو کلان شد. پسانها پوشکین از ایریتیریا یا کامیرون اختطاف شد و در خانه پیتیر کبیر کلان شد. - م

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ